

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَائِسُ»

الكافي، جلد ۱، صفحه ۲۶

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

تفاوت های توصیف، تفسیر و تحلیل سیاسی

شناسنامه مطلب	
b-31	کد مطلب
بصیرتی / مباحث آموزشی / گام دوم / روش تحلیل	رده
تحلیل / تفسیر / توصیف / ماهیت / سیاسی	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نمو

nomov.ir



چگونه میتوان تحلیل درستی داشت؟

برای تحلیل درست یک پدیده سیاسی، باید روش و منطق درستی داشت. "الزام روشی" به عنوان یک شاخص مهم در مباحث روز علمی مرتبط با "تحلیل سیاسی" مورد توجه جدی است. روش در یک عبارت اصطلاحی میتواند مبتنی بر سه گزاره باشد:

۱. مجموعه راه های کشف مجهول

۲. مجموعه قواعد هنگام پژوهش

۳. مجموعه ی ابزار و فنون جهت حل مجهول^۱

^۱ کتاب روش تحلیل سیاسی ص ۱۳



«توصیف»، «تفسیر»، و «تحلیل» سیاسی چه تفاوتی با هم دارند؟

«توصیف سیاسی»

بررسی و بیان یک رویداد است به صورت سطحی و بیان واقعیت، آن‌گونه که هست. در واقع توصیف سیاسی گزارش دقیق از چگونگی و روند رویدادهای سیاسی است و لذا به حریم علت‌ها راه پیدا نمی‌کند.^۱

«تحلیل سیاسی»

(۱) معنای لغوی تحلیل

در فرهنگ معین، تحلیل به معنای حل کردن، تجزیه کردن، روا شمردن و حلال کردن آمده است. در فرهنگ عمید نیز این لغت به عنوان اسم مصدر عربی آمده که به معنای حل کردن، گشودن، حل کردن غذا در معده است و در قدیم به معنای حلال کردن و روا شمردن نیز به کار برده می‌شد.

اما امروزه در تطور زبان فارسی، تحلیل به معنای حل کردن مسئله به کار می‌رود. این حل کردن مسئله می‌تواند تبیین یک موضوع هم باشد. حالا اگر این موضوع سیاسی باشد، تحلیل ما در چارچوب تحلیل سیاسی قرار می‌گیرد و اگر

^۱ کتاب روش تحلیل سیاسی ص ۱۴

اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و غیره باشد، هرکدام با روش‌های خاص خود می‌تواند در قالب تحلیل مسائل اقتصادی، تحلیل موضوعات فرهنگی، تحلیل تحولات اجتماعی و غیره قرار گیرد^۱.

۲) «تعریف تحلیل سیاسی»

در تحلیل سیاسی به معنی شکستن کل- و نه کلی- به قسمت‌های مختلف به منظور تعیین ماهیت آن است. پس تحلیل سیاسی ناظر بر این است که پدیده یا رویداد سیاسی به عنوان یک کل در نظر گرفته شود، آن‌گاه آن پدیده به اجزاء و واحدهای کوچک‌تر تقسیم گردد، سپس این اجزاء بررسی شود و پس از آن نیز ارتباط اجزاء با یکدیگر و همچنین در رابطه با کل پدیده مورد توجه دقیق و منطقی قرار گیرد^۲.

۳) «تفسیر سیاسی»

مقوله‌ی دیگری است. تفسیر به معنی رسیدن به استنباط درباره‌ی روابط بین متغیرهای مورد مطالعه و استخراج نتایج این روابط به معنی یافته‌های حاصل از تحلیل است. به عبارتی، تفسیر سیاسی بر پایه‌ی یافته‌ها و نتایج حاصل از تحلیل درباره‌ی روابط مورد مطالعه است و لزوماً درباره‌ی این روابط پدیده‌ی سیاسی نتیجه‌گیری می‌کند. لذا گفته‌اند که «تفسیر» مقصود تحلیل است^۳.

به نظر میرسد برخی از اندیشمندان سیاسی به بحث تفسیر سیاسی با عنوان "ماهیت تحلیل سیاسی" پرداخته‌اند به عنوان مثال:

تحلیل موشکافی و بررسی یک پدیده در ابعاد متفاوت، برای رسیدن به پاسخ یا نتیجه‌ی مطلوب است و یکی از روش‌های پژوهش علمی در کلیه‌ی مسائل، از جمله مسائل سیاسی به‌شمار می‌رود. با تحلیل، بخش‌های متعدد یک پدیده و ارتباط این بخش‌ها با یکدیگر در مجموع، مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته بعضی معتقدند تحلیل در واقع حل مسئله‌ی مورد نظر است. اما اگر تحلیل کردن را فقط به حل مسئله محدود کنیم، در واقع جامعیت تعریف را از دست داده‌ایم؛ چراکه در مواردی پیش می‌آید که تحلیل‌گر قبل از حل یک مسئله‌ی سخت، می‌کوشد یک مسئله را کشف کند. یعنی موضوعی را که به ذهن افراد عادی نمی‌رسد، کشف کرده و با اسلوب خاصی برای دیگران توضیح دهد. در این موارد، تحلیل‌گر بیش از آنکه درصدد پاسخ دادن به سؤالات و حل مسائل پیچیده باشد، به دنبال کشف حقایق و درک واقعیت‌هایی است که به هر دلیل، به نظر دیگران نمی‌رسد یا کسانی خواسته‌اند از نگاه مردم

^۱ نوشتاری از حسن بهشتی پور، پایگاه تحلیلی-تبیینی برهان <https://b2n.ir/800905>

^۲ کتاب روش تحلیل سیاسی ص ۱۴

^۳ کتاب روش تحلیل سیاسی ص ۱۴

پوشیده بماند. در این نوع تحلیل، تحلیل‌گر به‌جای حل مسائل پیچیده، به دنبال رازهای ناگفته است. در حالتی دیگر، ممکن است تحلیل‌گر با یک موضوع کشف‌شده روبه‌رو شود، اما به دلیل پیچیدگی موضوع برای مخاطبان عام، لازم است تحلیل‌گر با استفاده از تخصص خود، موضوع پیچیده را از طریق تجزیه و تحلیل کردن، ساده کند.

به‌طور کلی «تحلیل کردن» شامل چهار وجه ذیل خواهد بود:

(الف) کشف یا شناخت حقایق و واقعیت‌های موجود درباره‌ی یک پدیده یا یک رویداد پیچیده، بدون پیرایه‌ها و روتوش و تبیین آن برای دیگران.

(ب) درک جزئیات همان پدیده‌ی پیچیده و ساده کردن آن‌ها برای مخاطبان از طریق تجزیه‌ی آن پدیده.

(ج) آگاهی‌بخشی درباره‌ی آن پدیده یا رویداد به مخاطبان در مورد عوامل یا علت‌های ایجادکننده و به‌وجودآورنده‌ی همان پدیده، عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن پدیده یا رویداد و در نهایت عامل‌های تأثیرگذار بر آن و تأثیرپذیر از آن پدیده.

(د) انتقال بینش و معرفت درباره‌ی آن پدیده به دیگران (بصیرت‌افزایی)^۱